



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الدَّرْسُ السَّابِعُ (درس هفتم)

أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ ، وَفِي الْأَرْضِ قُدْرَتُكَ ، وَفِي الْبَحَارِ عَجَائِبُكَ .

تو کسی هستی که بزرگی‌ات در آسمان و توانمندی‌ات در زمین و شگفتی‌هایت در دریاست . (امیر مؤمنان علی علیه السلام)

■ به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید .

أَدَّى : ایفا کرد، منجر شد	تَيَّار : جریان	طُيُور : پرندگان «مفرد : طَير»
أَرْشَدَ : راهنمایی کرد	جَمَاعِيّ : گروهی	عَرَّفَ : معرفی کرد
أَرْضَعَ : شیر داد	حَادّ : تیز	عَزَمَ : تصمیم گرفت
أَعْلَى : بالا، بالاتر	دَلَفِين : دلفین‌ها	غَنَّى : آواز خواند
أَنْفَقَ : انفاق کرد	دَوْر : نقش	قَفَزَ : پرید، جهش کرد
أَنْوَفَ : بینی‌ها «مفرد : أَنْف»	ذَاكِرَة : حافظه	لَبَوْنَة : پستاندار
أَوْصَلَ : رسانید	رَائِع : جالب	كَذَلِكَ : همین‌طور
بَحَار : دریاها «مفرد : بَحْر»	سَمَكُ الْقِرَشِ : کوسه ماهی	مُنْقَذ : نجات‌دهنده
بَكَى : گریه کرد	شَاطِئِي : ساحل «جمع : شَوَاطِئ»	مَوْسُوعَة : دانشنامه
بَلَغَ : رسید	صَفَرَ : سوت زد	
تَجَمَّعَ : جمع شد	ضِعَفَ : برابر «ضِعْفَيْنِ : دو برابر»	

يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ أَيَّ آنكه شگفتی‌هایش در دریاهاست .

مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ از دعای جوشن کبیر

يُشَاهِدُ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَأَوْا رَائِعًا عَنِ الدُّلْفَيْنِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ ، وَأَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ .

اعضای خانواده فیلم جالبی از دلفینی که - انسانی را از غرق شدن نجات داده و او را به ساحل رسانده است - می‌بینند .

حَامِدٌ : لَا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ . يُحَيِّرُنِي جِدًّا .

حامد : باور نمی‌کنم ؛ این کار عجیبی (شگفت‌انگیزی) است . خیلی مرا متحیر می‌کند .

الْأَبُ : يَا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيبًا، لِأَنَّ الدُّلْفَيْنِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ .

پدر : ای فرزندم (پسر)م عجیب نیست ، زیرا دلفین دوست انسان در دریاهاست .

صَادِقٌ : تَصَدِيقُهُ صَعْبٌ ! يَا أَبِیْ، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِیقِ .

صادق : باورش سخت است؟! ای پدرم ، مارا با این دوست آشناگردان .

الْأَبُ : لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ،

پدر : او حافظه‌ای قوی دارد ، و شنواییش ده برابر بالاتر از شنوایی انسان می‌باشد .

و وَزْنُهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيْبًا، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تَرْضَعُ صِغَارَهَا .

و وزن او حدوداً به دو برابر وزن انسان می‌رسد ، و آن از حیوانات پستانداری است که به بچه‌هایش شیر می‌دهد .

نُورَا : إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُجِيبُ مُسَاعِدَةَ الْإِنْسَانِ ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ ؟

نورا : آن حیوان باهوشی است که کمک کردن به انسان را دوست دارد! آیا این طور نیست؟

الْأَبُ : نَعَمْ ؛ بِالتَّأَكُّدِ ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَّافِينَ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانٍ سَقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانٍ غَرَقِ سَفِينَةٍ .

پدر : بله ، قطعاً، دلفین‌ها می‌توانند که ما را به محل سقوط هواپیمایی یا مکان غرق شدن یک کشتی هدایت کنند .

الْأُمُّ : تُؤَدِّي الدَّلَّافِينَ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبَ وَ أَسْرَارٍ،

مادر : دلفین‌ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می‌کنند، و آنچه را از شگفتی‌ها و اسرار زیر آب هست کشف می‌کنند . (: شگفتی‌ها و اسرار زیر آب را کشف می‌کنند) .

وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجْمُعِ الْأَسْمَاكِ .

و به انسان در کشف مکان‌های تجمع ماهی‌ها کمک می‌کنند .

صَادِقٌ : رَأَيْتُ الدَّلَّافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً ؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا ؟

صادق : دلفین‌ها را دیدم که حرکات گروهی انجام می‌دادند ؛ آیا باهم صحبت می‌کنند ؟

الْأُمُّ : نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَّافِينَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ،

مادر : بله؛ در یک دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تاکید می‌کنند که دلفین‌ها می‌توانند بایک‌بارگیری صداها می‌شنوند، صحبت کنند،

و أَنَّهَا تُغَنِّي كَالطُّيُورِ، وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفُرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ .

و اینکه مانند پرندگان آواز می‌خوانند ، و همچون بچه‌ها گریه می‌کنند ، و مثل انسان سوت می‌زنند و می‌خندند .

نورا : هَلْ لِلدَّلَّافِينَ أَعْدَاءُ؟ نورا : آیا دلفین ها دشمنانی دارند؟

آلَابُ : بِالتَّأَكِيدِ ، تَحَسَّبُ الدَّلَّافِينَ سَمَكَ الْقِرْشِ عَدُوًّا لَهَا ، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى سَمَكَةِ الْقِرْشِ ،

پدر : قطعاً، دلفین ها کوسه ماهی را برای خود یک دشمن به حساب می آورند ، و هنگامی که نگاهشان به کوسه ماهی بیافتد،

تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا ، وَتَضْرِبُهَا بِأَنْوِفِهَا الْحَادَّةِ وَتَقْتُلُهَا .

به سرعت اطرافش جمع می شوند ، و بایینی های تیزشان آنها را می زنند و آنها را می کشند .

نورا : وَهَلْ يُحِبُّ الدَّلَّافِينَ الْإِنْسَانَ حَقًّا ؟ نورا : و آیا درحقیقت دلفین انسان را دوست دارد؟

آلَابُ : نَعَمْ ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْأَنْتَرْنِتِ ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ ،

پدر : بله ، بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم ... جریان آب مردی را به شدت به اعماق (دریا) کشید ،

وَبَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ : رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ

و مرد بعد از نجاتش گفت : ناگهان چیزی مرا با قدرت به سمت بالا برد ، سپس مرا به ساحل کشاند

وَلَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي ، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا ، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دَلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ .

و هنگامی که تصمیم گرفتم از نجات دهنده ام تشکر کنم ، کسی را نیافتم ، اما دلفین بزرگی را دیدم که کنارم در آب با خوشحالی می پرید .

أَلَا أَمْ : إِنَّ الْبَحْرَ وَالْأَسْمَاكَ نِعْمَةً عَظِيمَةً مِنَ اللَّهِ .

مادر : براستی دریا و ماهیها نعمت بزرگی از جانب خداوند هستند .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : رَسُولُ خُدا (ص) فرمود :

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ عِبَادَةٌ : نگاه کردن بر سه چیز عبادت است :

النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ ، وَالنَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ ، وَالنَّظَرُ فِي الْبَحْرِ .

نگاه کردن به قرآن ، و نگاه کردن به چهره پدر و مادر و نگاه کردن به دریا .

- عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ .
 ۱ - الدُّلْفَيْنُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا .
 دلفین از حیوانات پستانداری است که به بچه هایش شیر می دهد .
 ۲ - يُؤَدِّي سَمَكُ الْقِرَشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَالسَّلَامِ .
 کوسه ماهی نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می کند .
 ۳ - سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَفُوقُ سَمْعَ الدُّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ .
 شنوایی انسان ده برابر برتر از شنوایی دلفین می باشد .
 ۴ - سَمَكُ الْقِرَشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ .
 کوسه ماهی دوست انسان در دریاهاست .
 ۵ - سَمَكُ الْقِرَشِ عَدُوُّ الدَّلَافَيْنِ .
 کوسه ماهی دشمن دلفین هاست .
 ۶ - لِلدَّلَافَيْنِ أَنْفٌ حَادَّةٌ .
 دلفین ها بین های تیزی دارند .

اعلموا (أَلْجَارُّ وَالْمَجْرورُ)

در زبان فارسی به حروفی مانند « به ، برای ، بر ، در ، از » حروف اضافه و در عربی حروف جر می گویند .
 به حروف « مِنْ ، فِی ، إِلَى ، عَلَیْ ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ » در دستور زبان عربی « حروف جر » می گویند این
 حروف به همراه کلمه ی بعد از خودشان معنای جمله را کامل تر می کنند .
 مثال : مِنْ قَرْيَةٍ ، فِي الْغَابَةِ ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ ، بِالْحَافِلَةِ ، لِلَّهِ ، عَنْ نَفْسِهِ ، كَجَبَلٍ
 به حرف جر ، جارّ و به اسم بعد از آن مجرور و به هر دو این ها « جار و مجرور » می گویند .

أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ :

مِنْ	از
------	----

(... حَتَّى تُتَفَقَّهُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) أَلْ عِمْرَانُ : ۹۲ / (مِمَّا = مِنْ + مَا) / تا اتفاق کنید از آنچه دوست می دارید .

(... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ) الْإِنْسَانُ : ۲۱ / دست بندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ : از اینجا تا آنجا

در	فی
----	----

(هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً) الْبَقَرَة : ۲۹ او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید .

النَّجَاةُ فِي الصَّدَقِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) رهایی در راستگویی است .

إِلَى	به ، به سوی ، تا
-------	------------------

(سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى) الْإِسْرَاء : ۱
پاک است کسی که بنده اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد .

(قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ) الْإِسْرَاء : ۱
گفت : « چقدر درنگ کردی ؟ » گفت : « یک روز یا بخشی از یک روز . » گفت : « نه ، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی ات بنگر . »

كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ . کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می کرد .

عَلَى	بر ، روی
-------	----------

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) مردم بر دین پادشاهانشان هستند .

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، (بر شمایست پایبندی به صفات برتر اخلاقی) زیرا پروردگار مرا به خاطر آن فرستاده است .

الذَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ . أمير المؤمنين (ع) روزگار دو روز است؛ روی به سودت و روزی به زیانت .

الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْضَدَةِ . کیف روی میز است .

بِـ	به وسیله، در
-----	--------------

(اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ) الْعَلَق : ۳ و ۴

بخوان و پروردگارت گرامی ترین است ؛ همان که به وسیله قلم آموخت .

(وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ) آل عمران : ۱۲۳ و خدا شما را در (جنگ) بدر یاری کرد .

^۶ - «عَلَيْكُمْ» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است .

لِـ	برای ، از آن (مال) ، داشتن
-----	----------------------------

(لِيَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) النَّسَاء : ۱۷۱ آنچه در آسمان ها و زمین است ، از آن اوست .

لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد .

(لِيَكُم دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ) الْكَافِرُونَ : ۶ دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم .

لِمَاذَا رَجَعْتَ ؟ - لِيَأْنِي نَسِيتُ مِفْتَاحِي . برای چه برگشتی ؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم .

عَنْ	از ، درباره
------	-------------

(وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ) الشُّوْرَى : ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگان می پذیرد و از بدی ها در می گذرد .

(وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ . . .) الْبَقَرَة : ۱۸۶

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من (به آنان) نزدیکم .

كَـ	مانند
-----	-------

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است .

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُؤَوَّتَةِ .

۱ - الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ . الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (ع)

مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع جار و مجرور مبتدا و مرفوع مفعول به مبتدا مفعول به

علم بهتر از ثروت است . علم تو را حفظ می کند و (در حالیکه) تو از ثروت محافظت می کنی .

۲ - * قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ... *

جار و مجرور

بگو در زمین حرکت کنید (بگردید) ...

نون الوقایة

در متن درس کلمات « يُحَيِّرُنِي » و « أَخَذَنِي » را مشاهده کردید .

وقتی که فعلی به ضمیر « ی » متصل می‌شود، نون وقایه بین فعل و ضمیر واقع می‌شود . مثال :

يَعْرِفُنِي : مرا می‌شناسد . اِرْفَعُنِي : مرا بالا ببر .

أَخَذَنِي : مرا بُرد . يُحَيِّرُنِي : مرا حیران می‌کند .

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرَجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ .

۱ - (رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ) ابراهیم : ۴۰

پروردگارا، مرا برپا دارنده‌ی نماز قرار ده ...

۲ - اَللّٰهُمَّ اِنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَعَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

خدایا به من بواسطه‌ی آنچه به من آموختی سود برسان و به من بیاموز آنچه به من سود می‌رساند .

۳ - اِنَّ اللّٰهَ اَمَرَ نَبِيَّ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا اَمَرَ نَبِيَّ بِاِقَامَةِ الْفَرَائِضِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

یقیناً خداوند مرا به مدارا کردن با مردم دستور داده است همانطور که مرا به برپایی واجبات دستور داده است .

۴ - اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُورًا وَاجْعَلْنِي صَبُورًا وَاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيرًا وَفِي اَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيرًا . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

خدایا مرا بسیار شکرگذار قرار بده و مرا بسیار شکیبیا قرار بده و مرا در چشم خودم کوچک و در چشم‌های مردم بزرگ قرار ده .

در گروه های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید .

حوار (مَعَ مُشْرِفِ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

گفت و گو (با مدیر داخلی خدمات هتل)

السَّائِحُ گردشگر	مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ مسئول پذیرش
عَفْوَ! مَنْ هُوَ مَسْئُولُ تَنْظِيفِ الْغُرْفِ وَالْحِفَافِ عَلَيْهَا ؟ ببخشید ؛ مسئول پاکیزگی و نگهداری از اتاق ها کیست ؟	السَّيِّدُ دِمَشْقِيُّ مُشْرِفِ خَدَمَاتِ غُرْفِ الْفُنْدُقِ . مَا هِيَ الْمُسْكَلَةُ ؟ آقای دمشقی مدیر داخلی خدمات اتاق های هتل است . مشکل چیست ؟
لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً ، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ . اتاق ها تمیز نیستند و نقص هایی دارند .	أَعْتَذِرُ مِنْكَ ؛ رَجَاءً ، إِسْتَرْحُ ؛ سَأَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ . از تو معذرت می خواهم ؛ لطفاً ، استراحت کن ؛ با مدیر تماس خواهم گرفت .
مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ . مسئول پذیرش با مدیر تماس می گیرد و مدیر با مهندس تعمیرات می آید .	
مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ مدیر خدمات هتل	السَّائِحُ گردشگر
مَا هِيَ الْمُسْكَلَةُ ، يَا حَبِيبِي ؟! مشکل چیست ، دوست من ؟!	لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زُمْلَائِي نَظِيفَةً ، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ . اتاق من و اتاق های همکلاسی هایم تمیز نیستند ، و نقص هایی دارند .
سَيَأْتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ ، وَمَا الْمُسْكَلَاتُ الْآخَرَى ؟ کارگران نظافتچی خواهند آمد ، و مشکلات دیگر چیست ؟	فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ ، در اتاق اول تخت شکسته وَفِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ نَاقِصٌ ، و در اتاق دوم ملافه کم است ، وَفِي الْغُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيَّفُ لَا يَعْمَلُ . و در اتاق سوم کولر کار نمی کند .
نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ . سَنُصَلِّحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ ؛ عَلَيَّ عَيْنِي . از شما عذرخواهی می کنم . هر چیزی (همه چیز) را به سرعت درست خواهیم کرد ؛ به روی چشمم .	تَسَلَّمَ عَيْنُكَ ! چشمت بی بلا

التمرین الأول : عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ . ✓ ✕

تمرین اول : جمله‌ی درست و نادرست را طبق حقیقت و واقعیت مشخص کن .

- ۱ - عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرَقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ . ✓
هنگامی که جریان برق در شب قطع می‌شود ، هر مکانی در تاریکی فرو می‌رود .
- ۲ - الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ . x
طاووس از پرندگان آبی است که بالای کوه‌های برفی زندگی می‌کند .
- ۳ - الْمَوْسُوْعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جَدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ . x
دانش‌نامه لغت‌نامه‌ای بسیار کوچک است که کمی از دانش‌ها را جمع می‌کند .
- ۴ - الشَّاطِئُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجَوَارِ الْبَحَارِ وَ الْمُحِيطَاتِ . ✓
ساحل منطقه‌ای خشک کنار دریاها و اقیانوس‌ها است .
- ۵ - الْأَنْفُ عُضْوُ التَّنَفُّسِ وَ الشَّمِّ . ✓
بینی عضو نفس‌کشیدن و بویایی است .
- ۶ - الْخُفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ . ✓
خفاش پرنده‌ای از پستانداران است .

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي : صَّعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ . « كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »
تمرین دوم : در جای خالی کلمه‌ی مناسبی از کلمات زیر قرار بده . « دو کلمه اضافیست »
أُنُوفَ / دَوْرَ / قَفْزَ / بَلَّغْنَا / أَسْرَى / أَسَاوَرَ / الذَّاكِرَةِ / تَيَّارٌ

- ۱ - اشْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةِ أَسَاوَرَ مِنْ ذَهَبٍ .
پدرم برای خواهر کوچکم دستبندهایی از جنس طلا خرید .
- ۲ - قَالَ الطُّلَّابُ : بَلَّغْنَا السَّنَةَ السَّادِسَةَ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمَرِ .
دانش‌آموزان گفتند : به شانزده [سالگی] از عمر رسیدیم .
- ۳ - كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ دَوْرَهُ بِمَهَارَةٍ بِالْغَةِ . هَرُ دَانِشْ أَمُوزِی نَقْشِشْ رَا بَا مِهَارَتْ زِيَادِی بَازِی مِی‌کُرد .
- ۴ - عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ وَ حَدَّثَ تَيَّارٌ فِي مَاءِ الْمُحِيطِ .
بادهای شدیدی وزید و جریانی در آب اقیانوس ایجاد شد .
- ۵ - أَنْصَحُكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةِ الذَّاكِرَةِ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النِّسْيَانِ .
به تو نصیحت می‌کنم کتابی پیرامون راه‌های تقویت حافظه بخوانی برای اینکه تو فراموشکار هستی .
- ۶ - لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جَدًّا قَفَزَ مِنَ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّالِثِ .
همکلاسی بسیار تیزهوشی داریم که از کلاس اول به کلاس سوم جهش کرد .

الْتَّمِرِْنُ الثَّالِثُ : تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ .

۱ - (وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ) اَلْنَمْل : ۱۹

و مرا به رحمت خود در [زمره ی] بندگان شایستهات درآور (داخل کن).

۲ - (وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) آلِ عِمْرَانَ : ۱۴۷

و ما را بر گروه کافران پیروز گردان .

۳ - أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ادب مرد (انسان) بهتر (ارزشمندتر) از طلایش است .

۴ - عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نَوْرُ الْقَلْبِ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

ذکر خدا بر تو واجب است (باید که خدا را یاد کنی) پس یقیناً آن نور دل است .

۵ - جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَتَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

زیبایی دانش گسترش دادن آن است و میوه ی آن عمل کردن به آن (دانش) است .

الْتَّمِرِْنُ الرَّابِعُ : عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ . = ≠

بَعَثَ	صِغَار	شَاطِئُ	أَرْسَلَ	بَكَى	كَبَّرَ	أَقْلَّ	ضَوءٌ	بَعُدَ	سَاحِلٌ
فرستاد	کودکان	سامل	فرستاد	گریه کرد	بزرگان	کمتر	(روشنایی)	دور شد	سامل
ضَحِكَ	ظَلَامٌ	أَكْثَرَ	بَغْتَةً	قَرُبَ	دَفَعَ	فَجْأَةً	كَتَمَ	اِسْتَلَمَ	سَتَرَ
خندید	تاریکی	بیشتر	ناگهان	نزدیک شد	پرداخت	ناگهان	پنهان کرد	دریافت کرد	پوشاند

بَعَثَ = أَرْسَلَ شَاطِئُ = سَاحِلٌ بَغْتَةً = فَجْأَةً كَتَمَ = سَتَرَ صِغَار ≠ كَبَّرَ

بَكَى ≠ ضَحِكَ أَقْلٌ ≠ أَكْثَرَ ضَوءٌ ≠ ظَلَامٌ بَعُدَ ≠ قَرُبَ دَفَعَ ≠ اِسْتَلَمَ

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ : تَرْجِمَ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاعِ، ثُمَّ اكْتُبْ زَمْرَهُ . (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)
يَبْلُغْنَ / صِغَارَ / ذَاكِرَةَ / عَفَا / بَكَى / مُنْقِذَ / مَرَقَ (خورش) / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طُيُورَ / حَادَّةَ /
دَوْرَ / لَبَوْنَةَ / كَذَلِكَ / جِمَارَكَ (گمرک) / زُبُوتَ / سَمِينَا / ظَاهِرَةَ / أَمَطَرَ / حَمِيمَ / ثُلُوجَ / سِوَارَ / رَائِعَ

۱)	کوچک ها	ص	غ	ا	ر
۲)	این طور	ک	ذ	ل	ک
۳)	تیز	ح	ا	د	ة
۴)	پدیده	ظ	ا	ه	ر
۵)	سوت زدند	ص	ف	ر	و
۶)	روغن ها		ز	ی	و
۷)	نقش		د	و	ر
۸)	شنوایی		س	م	ع
۹)	جالب		ر	ا	ئ
۱۰)	نجات دهنده		م	ن	ق
۱۱)	نامیدیم	س	م	ی	ن
۱۲)	دستبند		س	و	ا
۱۳)	گرم و صمیمی		ح	م	ی
۱۴)	برف ها		ث	ل	و
۱۵)	حافظه	ذ	ا	ک	ر
۱۶)	پستانداز	ل	ب	و	ن
۱۷)	پرندگان		ط	ی	و
۱۸)	رسانید		أ	و	ص
۱۹)	باران بارید		أ	م	ط
۲۰)	بخشید			ع	ف
۲۱)	می رسند	ی	ب	ل	غ
۲۲)	ترانه خواندید	غ	ن	ی	ت
۲۳)	گریه کرد		ب	ک	ی

قال أمير المؤمنين علي (ع) : « الدهرُ يومانِ ؛ يومٌ لكَ و يومٌ عليكَ » :

(روزگار دو روز (دو گونه) است . روزی برای (به نفع) توست و روزی علیه (ضد) توست .

الَّتَمَرِينَ السَّادِسُ : تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ .

۱ - (وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا) النَّبَأُ : ۴۰

و کافر می گوید: « ای کاش من خاک بودم. » --- « کل این جمله مفعول به است .

۳ - مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

همنشینی با دانشمندان عبادت است .

۴ - حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

خوب پرسیدن نصف دانش است .

۵ - الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است .

۶ - إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ :

صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

هنگامی که انسان بمیرد عملش قطع می شود بجز از سه جا : کار نیکی جاری ، یا علمی که از آن سود برده می شود، یا فرزند نیکوکاری که برایش دعا می کند .

أنوار القرآن

عَيْنٌ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ تَرْجَمَةٌ مَا تَحْتَهُ حَطٌّ .

۱ - (رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ)

پرودگارا، به من دانش ببخش و مرا به درستکاران پیوند بده ؛

۲ - (وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ) ...

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار بده ؛

۳ - (وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ)

و روزی که (مردم) برانگیخته می شوند، رسوایم مکن؛

۴ - (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ)

روزی که نه دارایی و نه فرزندان سود نمی رساند ؛

۵ - (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ) الْمَائِدَةُ : ۴۸ در کارهای خیر از هم پیشی بگیرید .

۶ - (وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ) الْبَقَرَةُ : ۱۵۴

و به کسانی که در راه خدا کشته می شوند، مُرده نگویید، بلکه زنده اند ولی شما نمی دانید .

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ عَنْ قِصَّةِ حَقِيقَةِ قَصِيرَةِ حَوْلِ حَيَّوَانٍ، وَ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ، ثُمَّ تَرَجِمَهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ .

به دنبال داستان حقیقی کوتاهی پیرامون حیوانی بگرد و آن را در روزنامه‌ای دیواری بنویس ، سپس آن را با کمک لغت‌نامه‌ی « عربی به فارسی » به فارسی ترجمه کن .